Shiraz-Beethoven.ir

پیشگفتار

چگونگی تأثیر موسیقی در افراد متفاوت است، زیرا که این هنر شگرف، اندیشه‌ها، هیجان‌ها، احساس‌های سادهٔ لذت‌بخش و متأثرکننده‌ای را در ما بیدار می‌کند که خشن‌ترین رشته‌های وجود تا باریک‌ترین و ظریف‌ترین آن‌ها را متأثر می‌سازد و می‌لرزاند.

دربارهٔ حالتی که موسیقی در ما به وجود می‌آورد به هیچ وجه نباید جستجوگر چرایی و چگونگی آن باشیم و هرگونه پرسشی را در اندیشهٔ خود راه دهیم. اگر شنونده‌ای به هنگام شنیدن اثری انتقاد خود را نه‌تنها بر گونهٔ موسیقی بلکه بر چگونگی احساسی که در او ایجاد می‌کند استوار سازد، باید او را شنونده‌ای ناآگاه دانست که اسیر گونه‌ای واپس‌ماندگی اندیشه است و در نتیجه نخستین واکنش او خودبه‌خود و صمیمی نبوده و بدون هرگونه ارزش است. لیکن هنگامی که برنامه به پایان رسید، شنوندهٔ آگاه و باهوش می‌تواند از خود بپرسد که آیا آن موسیقی گونه‌ای تحرک روانی در او به وجود آورده است یا نه. این گونه روانکاوی می‌تواند در روشن کردن ارزش داوری نخستین او یاری‌دهنده باشد. به این ترتیب بسیار زودتر متوجه خواهد شد که این موسیقی برایش لذت‌بخش است یا نه. البته چنانچه این لذت به آسانی و به سرعت به وجود آمده باشد، نباید آن را به عنوان انگارهٔ ارزش آن اثر دانست بلکه ممکن است این لذت زادهٔ تعداد زیادی از شیوه‌های پیش‌پاافتادهٔ

Shiraz-Beethoven.ir

تقدیم به استادم، اولیویه‌مسیان

همراه با حق‌شناسی و محبت.

م.ل.

مقدمه

در برابر شنوندگانی که آثار استادانهٔ نوین را درک نمی‌کنند، با وجود موفقیت‌های پی‌درپی آثار پیش پا افتاده و ناپایداری منتقدان و ساده‌لوحی اجراکنندگان، لازم است در این کتاب چند فصل را به روشن کردن موضوع، اختصاص دهیم.

هدف ما روشن کردن ذهن و به وجود آوردن امکان داوری و لذت بردن دوستداران موسیقی و همچنین آشنایی آنان با جنبش‌هایی است که در این زمینه در اواسط قرن بیستم انجام گرفته. کاری که تاکنون تنها حق منتقدان به شمار می‌رفته است. از سوی دیگر، می‌دانیم که تعداد منتقدان خوب بسیار اندک است، زیرا یک منتقد نه‌تنها باید یک آماتور یا یک علاقه‌مند، بلکه از نظر داوری‌های فنی یک متخصص هم باشد. لیکن امروزه این ویژگی‌ها را بسیار کم در یک فرد می‌یابیم. هرکدام از این منتقدان دچار یکی از این ویژگی‌هاست، در حالی‌که ما همچنان ستون خبرهای هنری را هر روزه بلندتر از روز پیش می‌یابیم.

برای ما این موضوع مهم نیست که در بارهٔ این یا آن مکتب یا آفرینش هنری ابراز عقیده نمائیم، چرا که در آن صورت تنها در راه برآوردن نیاز خودخواهانهٔ خود خواهیم بود که همان یافتن هم‌سلیقه‌های خود باشد. پس بیشتر سخنان دربارهٔ فن موسیقی خواهد بود، آنهم به شکلی که همه کس بدون کمترین کوششی بتواند خط

Shiraz-Beethoven.ir

مجموع شصت مُد به دست خواهد آمد (شکل ۱۱).

شکل ۱۱
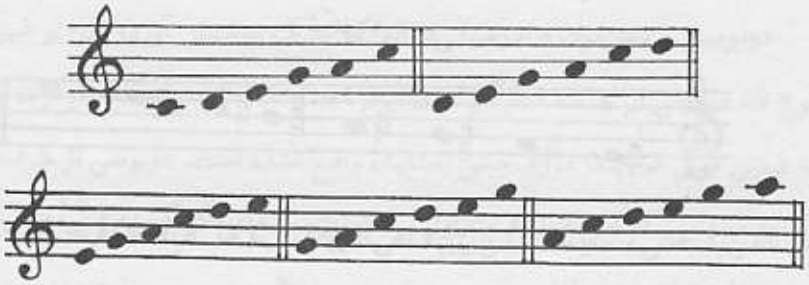
همانطوری که ذکر شد دوبوسی رشتهٔ شش‌پرده‌ای یا هفت‌درجه‌ای را نیز که به «گام تمام‌پرده» معروف است، در آثارش مورد استفاده قرار داده است. (به شکل شمارهٔ ۵ مراجعه شود).

واضح است که موسیقی دوبوسی با مقام‌های متعدد خود (که طبق سلیقه و ارادهٔ خلاقهٔ مصنف محاسبه و با یکدیگر مخلوط یا ترکیب می‌شود) با مفهوم هارمونیک جدید و سازبندی [۲۸] کاملاً مشخص او، ممکن بود برای گوش‌هایی که به موسیقی تُنال [۲۹] و جامعِ [۳۰] استادانی مانند سن‌سان، [۳۱] ریشارداشتراوس، برامس، [۳۲] سزارفرانک و بالاخره ماسنه [۳۳] (با لیریسم [۳۴] آسان خویش) خو گرفته بودند، خوش‌آیند جلوه کند. در زمان دوبوسی (در خارج از دایرهٔ نئوکلاسیک‌ها) [۳۵] هیچگونه موسیقی جامع دیده نمی‌شود. در آثار نئوکلاسیک‌ها نیز کوچک‌ترین بدعتی نمی‌توان یافت و هر یک از ابداع کنندگان در حالی که به وسیلهٔ آکوردهای پلئاس و ملیزاند مجذوب شده بودند سعی کردند با زبان ویژه‌ای آهنگ‌های خود را تصنیف کنند، مثلاً مقام‌های جدیدی را مورد استفاده قرار دهند (مانند: اولیویه‌مسیان) [۳۶] یا ابداعات هارمونیکی (مانند موریس‌راول) [۳۷] به وجود آورند و یا ابداعات ریتمیک (مانند استراوینسکی) به کار ببرند.

Shiraz-Beethoven.ir

در میان این همه مقام‌های جدید که برای گوش‌های غربی‌ها تازگی دارد باید از مقام‌های هندی هم که توسط آلبر روسل [۳۸] بویژه در اثر تغزلی او به نام پادماواتی [۳۹] مورد استفاده قرار گرفته است نامی به میان آید. مقام‌های مورد بحث روی امکانات حاصله از دو دانگ [۴۰] (شکل شماره ۱۲) تکیه دارند، که می‌توان با تغییر دادن

شکل ۱۲

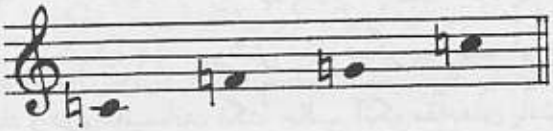

فواصل هر یک از آن‌ها با استفاده از فاصله‌های نیم‌پرده، [۴۱] پرده، [۴۲] و یک و نیم‌پرده (دوم افزوده) [۴۳] و جابه‌جا کردن آن‌ها قالب‌هایی به شکل‌های شمارهٔ ۱۳ و ۱۴ به دست آورد و مورد مطالعه قرار داد. [۴۴] با تضریب هر یک از قالب‌های ششگانهٔ شکل شمارهٔ ۱۳ در هر یک از قالب‌های شکل شمارهٔ ۱۴ (که تشکیل یک

شکل ۱۳
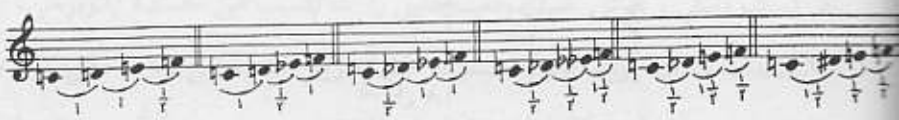
شکل ۱۴

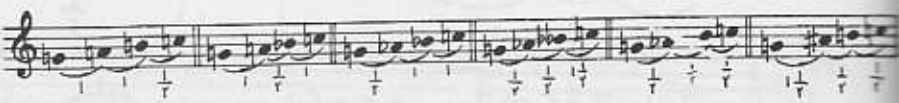

مقام جدید می‌دهد) تعداد سی‌وشش مقام گوناگون به دست می‌آید.